



سأله‌اش برای مأموریت‌ها، بازداشت: اکتبر ۲۰۲۴
موسی‌امان: ۲۲ ساله، شهروند عادی، ساکن اشکول
 تاجر و روش‌گسترده ۲۰۲۴ سفر مخفیانه به ایران، بازداشت
 اکتوبر/ سپتامبر ۲۰۲۳
عزیز نیسانف: ۳۲ ساله، مهاجر یهودی آذربایجانی، ساکن
 حیفا، رهبر گروه ۷ نفره آذربایجانی که ۶۰۰ مأموریت
 در ۲ سال انجام داده بودند، بازداشت: سپتامبر ۲۰۲۴
الکساندر سلیفک: ۲۸ ساله، مهاجر آذربایجانی، ساکن
 حیفا، از قشر مهاجران کارگر، عضو گروه ۷ نفره، بازداشت
 سپتامبر ۲۰۲۴
ایگال نیسانف: ۲۹ ساله، مهاجر آذربایجانی، عضو گروه
 ۷ نفره، بازداشت: سپتامبر ۲۰۲۴
ویاسلر گوسچین: ۳۱ ساله، مهاجر آذربایجانی، ساکن
 حیفا، عضو گروه ۷ نفره، بازداشت: سپتامبر ۲۰۲۴
یوگنی یوشف: ۲۷ ساله، مهاجر آذربایجانی، ساکن
 شمال سرزمین اشغالی، عضو گروه ۷ نفره، بازداشت
 سپتامبر ۲۰۲۴
رافائل قلی: ۳۲ ساله، مهاجر آذربایجانی، ساکن لود،
 عضو گروه ۷ نفره، بازداشت: اکتبر ۲۰۲۴
لاله قلی: ۳۲ ساله، همسر رافائل، مهاجر آذربایجانی
 ساکن لود، عضو گروه ۷ نفره، بازداشت: اکتبر ۲۰۲۴
اسحاق بنیامین وایز: ساکن بنی براک، از قشر افراطیون
 مذهبی، بازداشت: سپتامبر ۲۰۲۴
الکساندر گرانوفسکی: ساکن پتاحتیکوا، شهروند عادی
 از قشر متوسط، بازداشت: دسامبر ۲۰۲۳
مارک مورجی: ۳۳ ساله، ساکن دره اردن، حاشیه‌نشین
 بازداشت: جولای ۲۰۲۵
یونی سگال: ۱۸ ساله، ساکن طبریا، بازداشت: ژوئن ۲۰۲۵
عمری مزراحی: ۲۰ ساله، ساکن طبریا، کارگر، بازداشت
 ژوئن ۲۰۲۵
موشه عطیاس: ۱۸ ساله، ساکن یافنه، جوان بیکار
 بازداشت: مه ۲۰۲۵
یوری الیاسف: ۲۱ ساله، افسر ذخیره ارتش، ساکن کریا
 بازداشت: ژانویه ۲۰۲۵
گورگی آندریف: ۲۱ ساله، افسر ذخیره ستاد هوایی
 ساکن کریا، بازداشت: ژانویه ۲۰۲۵
انتالیا کیتف: ۲۶ ساله، ساکن تل آویو، شهروند عادی

حسین کیامنی: در ۲ سال گذشته، رژیم صهیونیستی تلاش‌های گسترده‌ای برای تصویرسازی از خود به عنوان یک قدرت برتر در عرصه اطلاعاتی و امنیتی و این تشبیه ایران که «ایران به ۱۲ عامل و جاسوسان اسرائیلی است» انجام داده است. این ادعاها بویژه در دوران جنگ ۱۲ روزه باوج رسیده جایی که صهیونیست‌ها بارها مدعی شدند هم‌زمان با انجام حملات هوایی به ایران، گروه‌ها، شرکت‌ها و وابسته به موساد یا کماندوهای اسرائیلی در داخل ایران دست به عملیات زده‌اند اما واقعیت‌ها موجود در گزارش‌های رسمی شین‌بت و پلیس رژیم و البته پوشش رسانه‌های اصلی رژیم صهیونیستی مانند آواز تن، راسل اسرائیل، جروزالم پست و حتی اس‌اوم آمریکا و ان‌اوهیومنیت انگلیس، تصویری کاملاً معکوس ترسیم می‌کند طرفی که باجران جاسوسی‌دست و پنبه‌نرم می‌کند، حجم عظیمی از عوامل خارجی را در داخل خود شناسایی می‌کند و نمی‌تواند جلوی فعالیت‌ها، گسترده آنها را بگیرد، در صورت رژیم صهیونیستی است جمهوری اسلامی ایران!

این بحران در سرزمین اشغالی نه‌تنها ادعاها، صهیونیست‌ها را کاملاً نقض می‌کند، بلکه نشان‌دهنده ضعف ساختاری جامعه صهیونیستی و مهم‌تر از این، سبب امنیتی اسرائیل است. براساس پیمایش‌های شین‌بت (سازمان داخلی اسرائیل) و پلیس اسرائیل، از اکتبر ۲۰۲۲ (پیرامون آغاز جنگ غزه) تا امروز، بیش از ۴۵ مورد جاسوس‌مرتبط با ایران در اسرائیل شناسایی و برای محاکمات کفایت‌خواست صریح شده است. در صورتی‌که ایران ۴۰ تا ۵۰ سیکان سرزمین اشغالی به جاسوسی برای این‌ها و نام‌آورد رژیم صهیونیستی در جوگیرگی از این بحران، همین به سال ۲۰۲۴، ۵۰۰۰ س‌ان در گزارشی از «افزایش در تصدق» جاسوسی نسبت به سال ۲۰۲۲ خبر داده است. «درصورتی‌که آمار از سال ۲۰۲۵ به بیرون در یک‌هزار تا تعداد موارد اعلامی از سوی شین‌بت و پلیس رژیم در یک سال گذشته، از افزایش عدد مذکور حکایت دارد. جدا از آن چیزی، این آمار ثابت می‌کند نفوذ اطلاعاتی ایران در سرزمین اشغالی به سطحی رسیده که رژیم صهیونیستی نمی‌تواند آن کنترل کند. آخرین مورد، دستاورد رژیم علیه مرد جوانی به نام «شیمون اوزاری» اعلام گردید.

نگاه
رها عبد اللهی

همه می‌دانیم پس از رحلت حضرت رسول اکرم(ص)، در حالی که امیرالمومنین(ع) مشغول تکفین و تدفین پیکر مطهر ایشان بودند، فتنه سقیفه برپا شد و حق خلافت غصب شد. امتناع حضرت علی(ع) از بیعت با خلیفه خودخوانده غاصب، برهم زنده اسباب منقشات بود و باید چاره می‌شد. چاره، بیعت اجباری بود و کار، به دیوار و آتش و دود و میخ و ریسمان کشید و قیام فاطمه(س) از همان لحظه آغاز شد. محسن ۶ ماهه‌اش نخستین شهید راه دفاع از ولایت شد و ضارب فاطمیه رقم خورد اما دستگاه زر و زور و مزبور با جنگ وزن به راهی شده، عقابت جایگاه خود را در خلافت تثبیت کرد و سال‌ها این مقام در دست غاصبان و دنباله‌های‌شان باقی ماند و حضرت فاطمه طاهره در راه مبارزه با این دستگاه به شهادت رسیدند. این خلاصه وقایع بعد از رحلت پیامبر(ص)، در نگاه اول می‌گوید قیام فاطمیه به هدفش نرسید و ایشان در این مسیر شکست خوردند و ظاهر ناستندند چرا به جایگاهش بزرگ‌راندند اما این ظاهر گمراه است. با یک سوال سراز روی دیگر ماجرا برویم: «اگر دستگاه طاهره این قیام را به پا نمی‌کردند چه می‌شد؟»

اگر ایشان در برابر دستگاه ظلم و نفاق، پشت در نمی‌ایستادند و جان خودشان و فرزند مظلوم‌شان را فدای نمی‌کردند و اهل بیعت بر سر گرفته، دامنگیر تاریخ نمی‌شد...

اگر با همان حلال مجروح و بیمار، به همراه اطفال‌شان، برای جلوگیری از بیعت اجباری سست‌اندن غاصبان از امیرالمومنین راهی مسجد نمی‌شدند و با فریاد و تهدید بر سر خلیفه خودخوانده و اعوانش و ساکتان در برابر ظلم،

زمانی که اسرائیل در روز یکم ۴ کشور لبنان، سوریه، مصر و اردن حمله کرد و مساحت اشغالی خود را ۳ برابر رساند، شهید دکتر «مصطفی چمران» روایت می‌کرد که از روز ۱۰ ساعت نخست تعیین تکلیف شد و هر ۶ روز باقیمانده چیزی جز تقلا و بی‌نتیجه بودن واکنش اعراب نبود. بخش بزرگی از مناطقی که امروز «مناطق اشغالی» خوانده می‌شود، محصول همین جنگ است. جامعه جهانی نیز مناطق ۱۹۴۸ را در سمیت شناخت و تنها اشغال‌های ۱۹۶۷ را مورد اشاره قرار می‌دهد: کرانه باختری، غزه و برخی بخش‌های لبنان. نکته قابل توجه این بود که حتی در این مقطع نیز کشورهای عربی مدعی نبودند این مناطق به طور بنیادین متعلق به «کشور فلسطین» است؛ اردن کرانه باختری را استان خود می‌دانست و مصر غزه را بخشی از قلمرو خویش معرفی می‌کرد. جنگ ۱۹۶۷ موج بزرگی از آوارگی فلسطینیان را در پی داشت و ده‌ها گام، از آگاهان به

نظامی انگلستان و فرانسه و در سایه خلا قدرت اعراب
توانستند ساختارهای نظامی خود را حمله نیروی «هاگانا»
تقویت کرده و اسرائیل را تثبیت کنند.

۲- جنگ کانل سوئز (۱۹۵۶): دخالت فرامرز اسرائیل
با پس زمینه استعماری

۸ سال پس از تأسیس اسرائیل، نخستین حمله
فرامرز این رژیم در ۱۹۵۶ با «جنگ کانل سوئز»
رخ داد. اسرائیل بهرمان با انگلستان و فرانسه به مصر
حمله کرد؛ حملهای که ارتباط چندانی با فلسطین نداشت
و بیشتر ریشهش در رقابت‌های استعماری میان قدرت‌های
قدیم و جدید بود. با اعلان آمریکا و اتحادیه جنگ سرد
تمام‌مادام داد و ستدشان عقب‌ننشینی فرامرز هر چند مصر
تازه‌جمهوری شده توان مقاومت جدی نداشت.

۳- جنگ ۶ روزه (۱۹۶۷): اشتغال گسترده و افزایش
آوارگان فلسطینی

جنگ هم بعد، جنگ ۱۹۶۷ با جنگ ۶ روزه بود.

احتمالاً نتیجه متفاوتی رقم می خورد اما این کشورها مصر، سوریه، اردن و دیگر دولتهای تازه تأسیس پس از جنگ نخست جهانی - نه آمادگی لازم برای تشکیل کشور فلسطین را داشتند و نه ارادگی برای مقابله پروژه صهیونیسم. تلاش اغلب آنان معطوف به گسترش قلمرو خودشان بود. مصر می کشید محاذ به بندر شرقی خاک خود بفرزاید؛ اردن آشکارا خواستار ضمیمه کردن فلسطین به قلمرو خود بود؛ سوریه نیز نه توان و نه انگیزه کافی برای مقابله نداشت. در این میان، فلسطین کشوری فاقد ارتش و ساختار حکومتی بود. سرزمینی که در مورد عثمانی بخشی از قلمرو آن محسوب می شد اما چنین پس از فروپاشی عثمانی باید توسط همین دولتهای تازه تأسیس عرب برای استقلال حمایت می شد اما چنین حمایتی شکل نگرفت. جنگ ۱۹۴۸، جنگی از سر سفر صهیولیت بود، نه تأسیس «کشور فلسطین» نتیجه زور، رش و تیر و تیرهای صهیونیست با آکا به یبشتینیان.

یادداشت
محمدمدلی صمدی

تاریخ مزاحره فلسطین و رژیم صهیونیستی در سال ۷۸ گزشته از تاسیس رژیم در سرزمین اسلامی، رشت‌های جنگ‌های اشغالگری‌ها، کنسکس‌ها و واکنش‌های متناظر، کنسکس‌های عرب است؛ سلسله‌ای از رخدادها که در نهایت تصویر امروز منطقه را شکل داده برای بررسی این رویداد ناچار باید از نخستین مواجهه نظامی آغاز کرد؛ جایی که سبک بنای توازن قوا به زبان فلسطینی گزاشته شد.

۱- جنگ ۱۹۴۸: تاسیس رژیم صهیونیستی و شکست نخستین مواجهه نظامی

نخستین جنگ میان جبهه مسلمانان و اشغالگران صهیونیست در سال ۱۹۴۸، هم‌زمان با تاسیس رژیم صهیونیستی شکل گرفت؛ اگر کشورهای عربی را در زمان آزاده کاف، برای ورود قاطع به میدان داشتند

**آیا قیام حضرت زهرا سلام الله علیها
پیروز شد؟**

نگاه
رها عبد اللهی

همه می‌دانیم پس از رحلت حضرت رسول اکرم(ص)، در حالی که امیرالمومنین(ع) مشغول تکفین و تدفین پیکر مطهر ایشان بودند، فتنه سقیفه برپا شد و حق خلافت غصب شد. امتناع حضرت علی(ع) از بیعت با خلیفه خودخوانده غاصب، برهم زنده اسباب مناقات بود و باید چاره می‌شد. چاره، بیعت اجباری بود و کار به دیوار و آتش و دود و میخ و ریسمان کشید و قیام فاطمه(س) از همان لحظه آغاز شد. محسن ۶ ماهه‌اش نخستین شهید را دفاع از ولایت شد و مصائب فاطمیة رقم خورد اما دستگاز ز و زور و تزویر با چنگ زدن به هر راهی شده، عاقبت جایگاه خود را در خلافت تثبیت کرد و سال‌ها این مقام در دست غاصبان و دنباله‌های‌شان باقی ماند و حضرت صدیقه طاهره در راه مبارزه با دستگاز به شهادت رسیدند. این خلاصه وقایع بعد از رحلت پیامبر(ص)، در نگاه اول می‌گوید قیام فاطمیة به هدفش نرسید و ایشان در این مسیر شکست خوردند و نتوانستند حق را به جایگاهش برگردانند اما این ظاهر ماجراست. با یک سوال سراغ روی دیگر ماجرا برویم: «اگر صدیقه طاهره این قیام را به نامی کرد، چه می‌شد؟» اگر ایشان در برابر دستگاز طلم و تفلق، پشت نمی‌انستند و جان خودشان و فرزند مظلوم‌شان را فدا نمی‌کردند و आफاطمه پشت در آتش گرفته، دامن‌گیر تاریخ نمی‌شد.

اگر با همان حال مجروح و بیمار، به همراه اطفال‌شان، برای جلوگیری از بیعت اجباری سستاندن غاصبان از امیرالمومنین راهی مسجد نمی‌شدند و بسا فریاد و تهدید بر سر خلیفه خودخوانده و اعوانش و ساکنان در برابر طلم، ستون‌های معنایی را نمی‌لرزاندند.

اگر ۴۰ شبانه‌روز به در خانه مجارحان و انصار نمی‌رفتند و برای بیدار کردن وجان تکتک مردان و زنان مهر سکوت بر چشم و دهان زده در برابر بزرگ‌ترین ظلم عالم، با کلمات سوزناک حق خواهی، روشنگری نمی‌کردند.

اگر هر روز در مسیر خانه تا مزار حمزه سیدالشهدا تظاهرات خشم و سکوت برگزار نمی‌کردند.

اگر با نهضت گریه، سبیل تظلم خواهی را در کوچه‌های مدینه جاری نمی‌کردند.

اگر در وصیتنامه مبارزاتی‌شان، با محروم کردن غاصبان از حضور در تشییع، آخرین ضربه را بر او می‌زدند و او را در نمی‌گذاشتند.

اگر با معمای عجیب و اعجاز گونه قبر مخفی، نه فقط جامعه آن روز که تمام عالم را یک چرای بزرگ مواجه نمی‌کردند و یک سازمان همیشگی روشنگری در برابر ظلم برپا نمی‌کردند. چه می‌شد؟

ادامه در صفحه ۸